

## بررسی مقایسه‌ای سیستم حساسیت به تنبیه، سیستم حساسیت به پاداش و عصب شناسی عاطفی شخصیت بر اساس ابعاد سایکوپاتولوژیک دختران نوجوان

کریم بابایی نادینلویی<sup>۱</sup>، امراه تاج الدینی<sup>۲</sup>  
و ژاله امین زاده<sup>۳</sup>

دوران نوجوانی به عنوان دوره پراسترس در فرایند رشد شناخته می‌شود، طی این دوران نوجوانان همزمان با تغییرات جسمانی و شناختی، تغییرات عاطفی و هیجانی زیادی را به صورت آشفتگی هیجانی تجربه می‌کنند. آشفتگی روان‌شناختی از مشکلات شایع در دوران نوجوانی خصوصا در بین دختران است. هدف پژوهش حاضر مقایسه‌ی سیستم حساسیت به تنبیه و سیستم حساسیت پاداش و عصب شناسی عاطفی شخصیت بر اساس ابعاد سایکوپاتولوژیک آشفتگی روان‌شناختی (اضطراب، استرس و افسردگی) دختران نوجوان بود. برای این منظور طی یک پژوهش علی مقایسه‌ای، ۱۲۰ دختر دانش آموز شهرستان تبریز که بیشترین و کمترین آشفتگی روان‌شناختی را داشتند انتخاب و از نظر سیستم حساسیت به تنبیه و پاداش و عصب شناسی عاطفی شخصیت مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که بین دختران با آشفتگی روان‌شناختی بالا و پایین از لحاظ ابعاد حساسیت به تنبیه و پاداش و همچنین ابعاد عصب شناختی عاطفی شخصیت تفاوت معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد فعالیت سیستم حساسیت به تنبیه و تقویت و همچنین تجربه عواطف منفی می‌تواند پیش بین مهمی در شناسایی افراد با مشکلات روان‌شناختی باشد.

واژه‌های کلیدی: حساسیت به تنبیه، حساسیت به پاداش، عصب شناسی عاطفی شخصیت

### مقدمه

نزدیک به نیمی از جمعیت جهان را افراد زیر ۲۵ سال و یک پنجم از جمعیت جهان را افراد ۱۹-۱۰ ساله تشکیل می‌دهند که ۸۵ درصد آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند (مارشال، ۲۰۱۰). این موضوع، توجه ویژه به این گروه مهم در معرض خطر را ضروری می‌سازد. دوران نوجوانی به عنوان دوره پراسترس در فرایند رشد شناخته می‌شود، طی این دوران مشکلات زیادی در حوزه سلامت روان از قبیل افسردگی، اضطراب، سومصرف مواد این قشر را تهدید می‌کند و در این

۱. دپارتمان روان شناسی، دانشکده ادبیات و روان شناسی، دانشگاه ارومیه ارومیه، ایران، (نویسنده مسؤل) k.babaei66@gmail.com

۲. دپارتمان روان شناسی، دانشکده ادبیات و روان شناسی، دانشگاه ارومیه ارومیه، ایران،

۳. دپارتمان روان شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

بین افسردگی، اضطراب و استرس بعنوان مشکلات شایع، پیامدهای زیان باری در زمینه سلامت روانی آنها دارد (ژیوهونگ و همکاران، ۲۰۱۱).

یکی از اهداف مهم تحقیقات زیست-محور، دسته بندی و فهمیدن شرایط افسردگی در مغز انسان از لحاظ تغییرات ساختاری/مکانیزمی و کارکردی و غیر کارکردی روانی/ رفتاری است (بروید، دمانویل، دی نبر، هلپس، جیمز، سانوگا-بارک، ۲۰۰۹؛ کوینز، اسپالیفر، مدلر، پانکسیپ، ۲۰۱۱؛ زلنر، وات، سولمس، پانکسیپ، ۲۰۱۱). علاوه بر آن بسیاری از محققان فرایندهای زیربنایی ساختاری/عملکردی مغز، را با تمرکز بر مکانیزم های مولکولی که زیر بنای اختلالات هیجانی در درمانهای نوین هستند را کاوش می کنند (کریشان، نستلر، ۲۰۱۰؛ پانکسیپ، ۲۰۱۵). در بافت روان شناسی شخصیت محققان به دنبال شناسایی ساختارهای شخصیتی مستعد آسیب به افسردگی هستند. ارتباط بین روان رنجورخویی و افسردگی در پژوهش های زیادی به اثبات رسیده است به طوریکه هنگامارتر، آیداسیک-گروس، ویس، آنگست، روسلر (۲۰۱۶) نشان دادند که ویژگی روان رنجوری به طور معمول با افسردگی مرتبط است. از آنجایی که افسردگی متعلق به اختلالات عاطفی است واضح است که عدم تعادل سیستم های عاطفی مبتنی بر ویژگی های شخصیتی از ارتباط بالایی برای درک زمینه های روان شناختی افسردگی برخوردار است (مونتاگ، پانکسیپ، ۲۰۱۶؛ پانکسیپ، وات، ۲۰۱۱).

عصب شناسی عاطفی شخصیت شاخه ای از علم روان شناسی است که با استفاده از پایه های دانش زیست شناسی و فیزیولوژی به بررسی رفتار و شخصیت عاطفی انسانها و جانوران می پردازد. بر اساس نظریه عصب شناختی عاطفی شخصیت پنکسیپ (۱۹۹۸) عواطف فرایندهای ذهنی پیچیده با ارزش انطباقی بالا هستند، که در طی دوره تکامل فیلوژنتیک توسعه یافته اند تا بقای فرد در شرایط بحرانی را تضمین کنند. با توجه به این که این مدارهای عاطفی اولیه در مناطق فلورنی قدیمی ناحیه زیرقشری مغز پستانداران متمرکز است و تفاوت های فردی در گرایش های هیجانی بخشی از شخصیت انسان است، می توان استدلال کرد که تفاوت های فردی در سیستم های عاطفی اولیه پانکسیپ ممکن است به قدیمی ترین جنبه تکاملی شخصیت انسان کمک کند (مونتاگ، ۲۰۱۴؛ مونتاگ، ریوتر، ۲۰۱۴). پنکسیپ بر اساس یک طبقه بندی، شش سیستم اصلی عاطفی را مشخص کرده است: سیستم جستجو، سیستم ترس، سیستم خشم، سیستم غم و اندوه (یا رنج جدایی)، سیستم سرگرمی و در نهایت، سیستم مراقبت، و در پژوهش های بعدی سیستم معنویت نیز به این طبقه بندی اضافه گردید (دیویس و پنکسیپ، ۲۰۱۱). با رجوع به افسردگی دو سیستم عاطفی پانکسیپ برای افسردگی مسلم فرض شده است: غم و سیستم جستجو (سیستم غم برگرفته شده از مطالعات اجتماعی استرس جدایی یا سیستم

پانیک برگرفته شده است (پانکسیپ، وات، ۲۰۱۱). سیستم باقی مانده که می‌تواند مرتبط با افسردگی باشد سیستم ترس می باشد، چون اضطراب یک بخش مهمی از افسردگی است. اگرچه اختلال اضطراب و افسردگی نیاز به تمیز دارند ولی همپوشانی بالایی باهم دارند (کلارک و واتسون، ۱۹۹۱). با توجه به اینکه توافق بر این است که ابعاد سایکوپاتولوژیکی در افراد با مبانی بیولوژیک شخصیت و عصب شناسی عاطفی شخصیت مرتبط است، دور از انتظار نیست که در نوجوانان با ابعاد سایکوپاتولوژیکی (افسردگی، اضطراب و استرس) بالاتر، مولفه‌های بیولوژیکی و عصب شناسی عاطفی شخصیت متفاوت باشد.

از طرف دیگر افسردگی می‌تواند توسط کاهش در رفتار گرایشی، از طریق نقص انگیزشی و یا فقدان تقویت مثبت و افزایش رفتار اجتنابی (مانند انزوای اجتماعی) توصیف شود (روزنهان و سلیگمن، ۲۰۱۰). مطالعات نشان داده است که افسردگی با حساسیت سیستم فعالساز رفتاری (BAS) پایین و سیستم بازداری رفتاری (BIS) بالا همراه است (ملیک، شارپ و آلفانو، ۲۰۱۴).

نظریه حساسیت به تقویت که‌ی ک تبیین عصب روان‌شناختی از سیستم های عمده و پایه شخصیت فراهم آورده است به طور فزاینده‌ای به عنوان فراهم کننده‌ی چارچوب یکپارچه برای نورویولوژی شخصیت، به رسمیت شناخته شده است (کار، ۲۰۱۶) که در نتیجه آن توجه تجربی قابل توجهی جلب کرده است. جدیدترین نسخه نظریه حساسیت به تقویت (گری و مک ناوتون، ۲۰۰۰؛ کار و مک ناوتون، ۲۰۱۲)، سه سیستم عصب روان‌شناختی عمده را فرض کرده است، که عبارتند از: سیستم جنگ-گریز-انجماد (FFFS) که توسط تمام اشکال محرک آزارنده (شامل محرک‌های آزارنده و بدون پاداش) فعال می‌شود؛ سیستم فعالساز رفتاری (BAS) که توسط همه اشکال محرک‌های اشتها آور (شامل محرک‌های پاداش دهنده و بدون تنبیه) برانگیخته می‌شود؛ و سیستم بازداری رفتاری (BIS) که توسط همه حالات در تعارض با هدف، بین BAS و FFFS فعال می‌شود (کار، ۲۰۱۶). گری با در نظر گرفتن این سه سیستم مغزی/رفتاری نظریه حساسیت به تقویت را مطرح کرد که به اعتقاد وی غلبه و فعالیت هریک از این سیستم ها در فرد، به حالت‌های هیجانی متفاوتی چون ترس، اضطراب و زودانگیختگی منجر می‌گردد و شیوه‌های رویارویی و واکنش‌های متفاوتی را نیز در برمی‌گیرد (گری و مک ناوتون، ۲۰۰۰) همچنین حساسیت بیش از حد و یا افراطی سه سیستم BAS، BIS و FFFS اختلالات سایکوپاتولوژی را پیش‌بینی می‌کند (جانسون، ترنر و ایواتا، ۲۰۰۳). پژوهش‌هایی به مقایسه بیماران افسرده و افراد بهنجار پرداخته و دریافتند که بیماران مبتلا به اختلال افسردگی اساسی حساسیت BIS، بالایی دارند (ملیک، شارپ و آلفانو، ۲۰۱۴). مطالعه دیگری نیز نشان داد که حساسیت بالای

BIS اضطراب-افسردگی مخلوط، و حساسیت پایین تر BAS نیز علایم افسردگی بی لذتی را پیش‌بینی می‌کند، مطالعات متعددی ارتباط سیستم بازداری رفتاری با عواطف منفی را نشان داده‌اند (مایر و همکاران، ۲۰۱۳)؛ که حساسیت سیستم بازداری رفتاری می‌تواند واکنش عاطفی به دیگر محرک‌های تنش‌زا مانند آسیب‌شناسی روانی در سطح جسمانی به خصوص افسردگی و اضطراب را تبیین کند (جکسون، ۲۰۱۴). با توجه به مطالب ذکر شده هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سوال بود که آیا دختران نوجوان دارای افسردگی، استرس و اضطراب بالا و پایین از لحاظ سیستم‌های مغزی رفتاری و عصب‌شناسی عاطفی شخصیت متفاوت هستند؟

## روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش دختران نوجوان مدارس تبریز می‌باشد. از این جامعه، ۳۸۰ نفر از نظر افسردگی، استرس و پریشانی DASS ارزیابی شدند و ۱۲۰ نفر که بالاترین و پایین‌ترین نمرات را در تست اخذ کرده بودند به عنوان گروه نمونه انتخاب و با مقیاس عصب‌شناختی عاطفی شخصیت<sup>۱</sup>، پرسشنامه حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش<sup>۲</sup> (SPSRQ)، مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس<sup>۳</sup> (DASS-21) مورد ارزیابی قرار گرفتند. مقیاس عصب‌شناختی عاطفی شخصیت به منظور سنجش شش بُعد اصلی صفات رفتاری مرتبط با سیستم‌های مغزی-عصبی طراحی شده است که شامل سرگرمی، جست و جو، مراقبت، ترس، خشم و غم است. این مقیاس به صورت لیکرت ۴ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. در جامعه ایران نیز امیری و آزاد مرز آبادی (۲۰۱۷) به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس پرداختند نتایج نشان دادند که مقیاس عصب‌شناختی عاطفی شخصیت در جامعه ایرانی دارای روایی و پایایی مناسب دارد، در این پژوهش پایایی مقیاس از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش (SPSRQ) (تورینا، آویلا، مولتو و کاسراس، ۲۰۰۱) توسط تورینا و همکاران (۲۰۰۱) و به منظور سنجش تفاوت‌های فردی در فعالیت نظام بازداری و فعال ساز رفتاری تدوین شده است و شامل ۴۸ ماده است. ماده‌ها بر اساس موافقت یا مخالفت با هر سوال به صورت بله و خیر پاسخ داده می‌شوند. نمره آزمودنی در مجموعه پرسش‌ها بین ۴۸ تا ۹۶ قرار می‌گیرد. ضریب آلفای کرونباخ برای حساسیت به پاداش (SR) و حساسیت به تنبیه (SP) به ترتیب

۰/۷۶ و ۰/۸۲ بدست آمد. اعتبار این پرسشنامه در ایران با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس حساسیت به تنبیه ۰/۷۵ و حساسیت به پاداش ۰/۷۱ بدست آمد که نشان دهنده اعتبار مطلوب این پرسشنامه بود (میکاییلی منیع و امیری، ۲۰۱۶).

مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-21) توسط لووی بوند و لووی بوند (۱۹۹۵) تهیه شده و دارای ۲۱ سوال ۴ گزینه‌ای است که به هریک از گزینه‌ها به ترتیب نمرات صفر تا سه تعلق می‌گیرد و سه زیر مقیاس استرس، اضطراب و افسردگی را با ۷ سوال مجزا برای هر کدام مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس توسط صاحبی و همکاران (۲۰۰۴) برای جمعیت ایرانی اعتبار یابی شده و همبستگی زیرمقیاس افسردگی این آزمون با آزمون افسردگی بک ۰/۷۰، زیر مقیاس اضطراب با آزمون اضطراب زانگ ۰/۶۷ و زیر مقیاس استرس با استرس ادراک شده ۰/۴۹ گزارش شده است (افضلی، برجلی، دلاور، میرزمانی، ۲۰۰۶).

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. داده‌ها با هجدهمین ویرایش نرم افزار SPSS تحلیل شد.

### یافته‌ها

در جدول ۱ مولفه‌های توصیفی نمرات در متغیرهای مورد اندازه‌گیری به تفکیک دختران نوجوان با آشفتگی روان‌شناختی بالا و پایین ارایه شده است.

جدول ۱: مولفه‌های توصیفی نمره‌های دختران نوجوان با آشفتگی روان‌شناختی بالا و پایین

متغیر	پایین	بالا	متغیر	پایین	بالا
	M	sd		M	sd
حساسیت به تنبیه	۱۱/۶۶	۴/۰۴	مراقبت	۳/۱۳	۱۴/۳۴
حساسیت به پاداش	۱۴/۲۰	۳/۳۸	ترس	۲/۵۲	۱۲/۷۸
سرگرمی	۱۸/۸۱	۳/۵۰	غم	۳/۰۵	۱۶/۸۰
خشم	۱۵/۴۹	۴/۱۹		۳/۳۴	۱۷/۸۲

بررسی‌ها نشان داد که مفروضه توزیع طبیعی داده‌ها فرض همسانی واریانس‌های برقرار است. نتیجه آزمون M باکس ( $F(36, 25292/179) = 1/28; P > 0/01$ ) نیز نشان داد که مفروضه‌ی یکسانی ماتریس واریانس-کواریانس متغیرهای وابسته برقرار است و می‌توان از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده نمود. تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد نتایج آزمون‌های چند متغیری پیلایی، لامبدای

ویلکز، هتلینگ و بزرگترین ریشه روی معنادار است یعنی، حداقل در یکی از سیستم های حساسیت به تنبیه، حساسیت به پاداش و ابعاد عصب شناسی عاطفی شخصیت، بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه معنادار بودن اثرات گروهی، به منظور اینکه مشخص شود این تفاوت ها در کدام گروه ها و کدام سطح از متغیرها قرار دارد از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد (جدول ۲).

**جدول ۲. تحلیل واریانس تک متغیره متغیرهای پژوهش در گروه با آشفتگی روان شناختی بالا و پایین**

متغیر وابسته	منع تغییرات	SS	MS	df	F	Sig.	تا (η <sup>2</sup> )
حساسیت به تنبیه	بین گروهی	۲۴۶/۶۲	۲۴۶/۶۲	۱	۱۶/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۸۶
حساسیت به پاداش	بین گروهی	۶۸/۹۴۲	۶۸/۹۴۲	۱	۶/۷۶	۰/۰۱۰	۰/۰۳۷
سرگرمی	بین گروهی	۱۳۸/۲۲	۱۳۸/۲۲	۱	۱۱/۹۸	۰/۰۰۱	۰/۰۶۳
خشم	بین گروهی	۱۸۶/۴۷	۱۸۶/۴۷	۱	۱۲/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۰۶۴
جستجو	بین گروهی	۱۵/۵۶	۱۵/۵۶	۱	۱/۴۵	۰/۰۸۶	۰/۰۲۰
مراقبت	بین گروهی	۳۱/۴۱	۳۱/۴۱	۱	۳/۷۰	۰/۲۲۹	۰/۰۰۸
ترس	بین گروهی	۱۸۹/۹۶	۱۸۹/۹۶	۱	۱۱/۶۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۱
غم	بین گروهی	۸۲۱/۴۶	۸۲۱/۴۶	۱	۲۷/۶۹	۰/۰۰۰	۰/۱۳۵

با توجه به نتایج جدول ۲ دختران نوجوان با استرس بالا حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش بالاتری نسبت به دختران نوجوان با استرس پایین دارند. همچنین تنها در یک بعد از ابعاد عصب شناختی عاطفی شخصیت مثبت (سرگرمی) بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شد و ابعاد دیگر (مراقبت و جستجو) با اینکه تفاوت معنی داری مشاهده نگردید ولی بسیار نزدیک به معنی داری بودند. همچنین دختران نوجوان با استرس بالا نسبت به گروه با استرس پایین سطح بالاتری از خشم، ترس و غم را تجربه کردند که حاکی از تفاوت معنی دار بین دو گروه است.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سیستم حساسیت به تنبیه همبستگی و تاثیر مستقیم مثبت و سیستم حساسیت به پاداش تاثیر مستقیم منفی با ابعاد آسیب های روان شناختی (اضطراب، افسردگی و استرس) دارد بطوریکه پژوهش حاضر نشان داد که بین دو گروه با آشفتگی روان شناختی بالا و پایین تفاوت معنی داری از لحاظ سیستم حساسیت به تنبیه و پاداش وجود دارد. در برخی پژوهش ها ارتباط اضطرابی مرتبط با سیستم بازداری رفتاری در سطوح پایین تر در نمونه های جمعیتی عمومی یافت شده است (کوتو و همکاران، ۲۰۱۰). مطالعات پیشین بین عامل روان رنجوری از پنج عامل بزرگ شخصیتی و اختلال برون

سازی رابطه نشان داده‌اند (کروگر، و همکاران، ۲۰۰۱). همچنانی که نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد بین سطوح بازداری رفتاری که در دیدگاه عصب روان‌شناختی گری به نوعی معادل با عامل روان رنجوری از پنج عامل بزرگ است با خشم، افسردگی و همچنین علائم جسمانی اضطراب مرتبط است. پژوهش‌های پیشین بیان داشته‌اند که سیستم بازداری رفتاری عامل افزایش دهنده خطر شکل‌گیری اختلال اضطرابی است (جانسون و همکاران، ۲۰۰۳). کارور و وایت (۱۹۹۴) نشان دادند که BIS به ترتیب با حالات خلقی و منفی رابطه دارند. پردازش هیجانی تحت تاثیر صفت خاص شخصیتی است؛ صفات شخصیتی فرد را مستعد پردازش اطلاعات هیجانی می‌کند که با صفت همخوان است. هماهنگی با این فرضیه، مطالعات نشان دادند که تکانشگری و حساسیت بالای BAS با پردازش اطلاعات هیجانی خوشایند و BIS با پردازش اطلاعات هیجانی ناخوشایند مرتبط است (گومز و گومز، ۲۰۰۲).

بر اساس پژوهش‌های گری و مک ناوتون (۲۰۰۰)، کیمبرل (۲۰۰۸) پیشنهاد کرد که سیستم حساس به تنبیه در افراد با آشفتگی روان‌شناختی بالا دیده می‌شود و این ناشی از این می‌شود که BIS در بررسی اطلاعات تهدید کننده در پاسخ به موقعیت‌های بالقوه تهدید کننده نقش دارد (گری و مک ناوتون، ۲۰۰۰). کیمبرل (۲۰۰۸) مدعی است که BIS خود نوعی سوگیری زیستی\_شخصیتی محسوب می‌شود که در افراد دارای اضطراب، استرس و افسردگی بالا دیده می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس نظریه حساسیت به تقویت گری تبیین پذیر است. منطبق با این نظریه عملکرد اضطراب و استرس به دو مکانیسم سیستم بازداری رفتاری اشاره دارد. اول اینکه حساسیت زیاد برخی نواحی، به جز سیستم جداری-هیپوکامپی، درون‌داد مخرب ذاتی بیزاری را افزایش داده و اضطراب را به وجود می‌آورد. دوم اینکه افزایش فعالیت بیش از حد سیستم جداری-هیپوکامپی یا فعالیت بیش از حد نواحی آمیگدال که به این سیستم متصل است باعث افزایش بیش از حد ارزیابی منفی از می‌شود (گری و مک ناوتون، ۲۰۰۰). همچنین این سیستم، سیستم انگیزشی توقف است و شامل نواحی از مغز است که حساسیت فرد را به تنبیه تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود که فرد نسبت به تنبیه بالقوه حساس باشد و از آن اجتناب نماید. فعالیت بیش از حد این سیستم به اضطراب زیاد منتهی می‌شود و موجب می‌شود فرد به تنبیه و پیامدهای منفی حساس شود. کار کنترل عاطفه و تنبیه و هیجانات منفی برعهده این سیستم است. این سیستم در افراد با شخصیت اضطرابی سریعتر فعال می‌شود (کارور و وایت، ۱۹۹۴).

همانطور که فرض شده بود دختران با آشفتگی روان‌شناختی (اضطراب، افسردگی و استرس) بالا در مقایسه با دختران با آشفتگی روان‌شناختی پایین نمرات بالایی در خشم، غم و ترس (بعد منفی عصب

شناختی عاطفی) کسب کردند و به طور معنی داری نیز بین دو گروه تفاوت وجود داشت در مقابل در سرگرمی، جستجو و مراقبت (بعد مثبت عصب شناختی عاطفی) نمرات پایین تری کسب کردند ولی تنها از لحاظ سرگرمی تفاوت بین دو گروه معنی دار بود. این یافته با پژوهش مونتاناگ و همکاران (۲۰۱۶) که پژوهش آنان نیز حاکی از آن بود که افسردگی با نمرات کم در جستجو، و نمرات بالا در ترس و غم ارتباط معنی داری داشت همسو بود. همانطور که ذکر شد افراد با افسردگی بالا غم بالا و جستجوی پایینی داشتند که می‌تواند عدم لذت در افراد با افسردگی را تبیین کند. همچنین کلارک و واتسون (۱۹۹۱) گزارش کردند که ترس در بین افراد با افسردگی بالا که افکار خودکشی داشتند زیاد بود که حاکی از همبودی بالای اضطراب و افسردگی بود که در پژوهش حاضر نیز دختران با آشفتگی روان‌شناختی بالا نمرات بالاتری در ترس به دست آوردند.

نمرات پایین دختران با آشفتگی روان‌شناختی بالا در جستجو و سرگرمی را اینگونه می‌توان تبیین کرد که جستجو و سرگرمی نیاز به احساس امنیت و لذت دارد که افراد با اضطراب و افسردگی بالا به دلیل ترس و غم بالایی که تجربه می‌کنند نمی‌توانند به جستجو و سرگرمی پردازند (پانکسپ، بیون، ۲۰۱۲) این یافته‌ها موید نتایج پژوهش حاضر نیز می‌باشد، که نشان دادند افراد با اضطراب و افسردگی بالا کمتر به جستجو و سرگرمی می‌پردازند. عواطف یکی از عوامل تاثیر گذار بر سلامت روان دانسته شده بطوریکه واتسون و تلگن (۱۹۸۵) دریافتند که عواطف مثبت و منفی ارتباط متفاوتی با شاخص های سلامت روان از جمله افسردگی و اضطراب دارند. عواطف منفی دارای رابطه مثبت با اضطراب و افسردگی است در حالی که عواطف مثبت دارای رابطه منفی با اضطراب و افسردگی است. بر این اساس می‌توان گفت که دختران با آشفتگی روان‌شناختی بالا را می‌توان بر اساس ابعاد بیولوژیکی از هم تفکیک کرد و این داده‌ها می‌تواند برای مشاورین و کارکنان بالینی مدارس و مراکز مفید باشد.

## References

- Almawi, W. Y., Tamim, H., Al-Sayed, N., Arekat, M. R., Al-Khateeb, G. M., Baqer, A., ... & Kamel, C. (2008). Association of comorbid depression, anxiety, and stress disorders with Type 2 diabetes in Bahrain, a country with a very high prevalence of Type 2 diabetes. *Journal of endocrinological investigation*, 31(11), 1020-1024.
- Amiri, S., & Azad-Marzabadi, E. (2017). Validation of Affective Neuroscience Personality Scales in normal populations. *Neuropsychiatry & Neuropsychology/Neuropsychiatria i Neuropsychologia*, 12(3).
- Barrett, F.S., Robins, R.W., Janatam P. (2013). *A Brief Form of the Affective Neuroscience Personality Scales*. *Psychol Assess*. PMID: 23647046.
- Broyd, S. J., Demanuele, C., Debener, S., Helps, S. K., James, C. J., & Sonuga-Barke, E. J. (2009). Default-mode brain dysfunction in mental disorders: a systematic review. *Neuroscience & biobehavioral reviews*, 33(3), 279-296.
- Carver, C. S., & White, T. L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: the BIS/BAS scales. *Journal of personality and social psychology*, 67(2), 319.



- Clark, L. A., & Watson, D. (1991). Tripartite model of anxiety and depression: psychometric evidence and taxonomic implications. *Journal of abnormal psychology, 100*(3), 316.
- Coenen, V. A., Schlaepfer, T. E., Maedler, B., & Panksepp, J. (2011). Cross-species affective functions of the medial forebrain bundle—implications for the treatment of affective pain and depression in humans. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 35*(9), 1971-1981.
- Corr, P.J. (2016). *Reinforcement sensitivity theory of personality questionnaires: Structural survey with recommendations*. Pers Individ Differ, 89:60-4.
- Corr, P. J., & McNaughton, N. (2012). Neuroscience and approach/avoidance personality traits: A two stage (valuation–motivation) approach. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 36*(10), 2339-2354.
- Costa Jr, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO personality inventory (NEO-PI-R) and NEO five-factor (NEO-FFI) inventory professional manual. *Odessa, Fl: PAR*.
- Davis, K. L., & Panksepp, J. (2011). The brain's emotional foundations of human personality and the Affective Neuroscience Personality Scales. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 35*(9), 1946-1958.
- Davis, K. L., Panksepp, J., & Normansell, L. (2003). The affective neuroscience personality scales: Normative data and implications. *Neuropsychoanalysis, 5*(1), 57-69.
- Gomez, A., & Gomez, R. (2002). Personality traits of the behavioural approach and inhibition systems: Associations with processing of emotional stimuli. *Personality and Individual Differences, 32*(8), 1299-1316.
- Gray, J. A., & Mcnaughton, N. (2000). The psychology of Anxiety and Enquiry in to the functions of the septo hippocampus system.
- Hengartner, M. P., Ajdacic-Gross, V., Wyss, C., Angst, J., & Rössler, W. (2016). Relationship between personality and psychopathology in a longitudinal community study: a test of the predisposition model. *Psychological Medicine, 46*(8), 1693-1705.
- Jackson, C. J. (2003). Gray's reinforcement sensitivity theory: A psychometric critique. *Personality and Individual Differences, 34*(3), 533-544.
- Johnson, S. L., Turner, R. J., & Iwata, N. (2003). BIS/BAS levels and psychiatric disorder: An epidemiological study. *Journal of psychopathology and behavioral assessment, 25*(1), 25-36.
- Johnston, M.Gray JA, McNaughton N. (2016) *Comparison of Emotional Characteristics of High School Students in Hamilton*, New Jersey New York: Oxford University: 53-98.
- Kimbrel, N. A., Cobb, A. R., Mitchell, J. T., Hundt, N. E., & Nelson-Gray, R. O. (2008). Sensitivity to punishment and low maternal care account for the link between bulimic and social anxiety symptomatology. *Eating Behaviors, 9*(2), 210-217.
- Koenigs, M., & Grafman, J. (2009). The functional neuroanatomy of depression: distinct roles for ventromedial and dorsolateral prefrontal cortex. *Behavioural brain research, 201*(2), 239-243.
- Kotov, R., Gamez, W., Schmidt, F., & Watson, D. (2010). Linking “big” personality traits to anxiety, depressive, and substance use disorders: a meta-analysis. *Psychological bulletin, 136*(5), 768.
- Kotov, R., Gamez, W., Schmidt, F., & Watson, D. (2010). Linking “big” personality traits to anxiety, depressive, and substance use disorders: a meta-analysis. *Psychological bulletin, 136*(5), 768.
- Krishnan, V., & Nestler, E. J. (2010). Linking molecules to mood: new insight into the biology of depression. *American Journal of Psychiatry, 167*(11), 1305-1320.
- Lahey, B. B. (2009). Public health significance of neuroticism. *American Psychologist, 64*(4), 241.
- Lovibond, P. F., & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behaviour research and therapy, 33*(3), 335-343.
- Mellick, W., Sharp, C., & Alfano, C. (2014). The role of BIS/BAS in the vulnerability for depression in adolescent girls. *Personality and Individual Differences, 69*, 17-21.
- Meyer, B., Olivier, L., & Roth, D. A. (2005). Please don't leave me! BIS/BAS, attachment styles, and responses to a relationship threat. *Personality and Individual Differences, 38*(1), 151-162.
- Mikaeli Manie, F, Amiri, S. (2016). Evaluation of Psychometric Properties of Punishment Sensitivity Scale and Reinforcement Sensitivity in a Normal Demographic Sample, *Novin Journal of Advanced Psychological Research; 11* (42). 211-236. (Persian).
- Montag, C., Widenhorn-Müller, K., Panksepp, J., & Kiefer, M. (2017). Individual differences in Affective Neuroscience Personality Scale (ANPS) primary emotional traits and depressive tendencies. *Comprehensive psychiatry, 73*, 136-142.
- Montag, C., & Panksepp, J. (2016). Primal emotional-affective expressive foundations of human facial expression. *Motivation and Emotion, 40*(5), 760-766.
- Montag, C. (2014). The brain derived neurotrophic factor and personality. *Advances in Biology, 2014*.

- Montag, C., & Reuter, M. (2014). Disentangling the molecular genetic basis of personality: from monoamines to neuropeptides. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 43, 228-239.
- National Center for Statistics of Iran. (2016). *Population and Housing Census, 2016*. www.amar.org.ir (Persian).
- Panksepp, J., & Biven, L. (2012). *The archaeology of mind: Neuroevolutionary origins of human emotions*. WW Norton & Company.
- Panksepp, J., & Watt, D. (2011). Why does depression hurt? Ancestral primary-process separation-distress (PANIC/GRIEF) and diminished brain reward (SEEKING) processes in the genesis of depressive affect. *Psychiatry: Interpersonal & Biological Processes*, 74(1), 5-13.
- Panksepp, J. (2015). Affective preclinical modeling of psychiatric disorders: taking imbalanced primal emotional feelings of animals seriously in our search for novel antidepressants. *Dialogues in clinical neuroscience*, 17(4), 363.
- Rosenhan D, Seligman M. (2010). *Abnormal Psychology: Psychopathology*. Tehran: Arabian.
- Sahebi, A., Asghari, M. J., Sadat Salari, R. (2003). Validation of Depression Anxiety and Stress Scale (DASS-21) for an Iranian Population. (DASS-21) *Journal of Iranian Psychologists*. 1(4). 2. (Persian).
- Saklofske, D. H., Kelly, I. W., & Janzen, B. L. (1995). Neuroticism, depression, and depression proneness. *Personality and Individual Differences*, 18(1), 27-31.
- Torrubia, R., Avila, C., Moltó, J., & Caseras, X. (2001). The Sensitivity to Punishment and Sensitivity to Reward Questionnaire (SPSRQ) as a measure of Gray's anxiety and impulsivity dimensions. *Personality and individual differences*, 31(6), 837-862.
- Torrubia, R., Avila, C., Moltó, J., & Caseras, X. (2001). The Sensitivity to Punishment and Sensitivity to Reward Questionnaire (SPSRQ) as a measure of Gray's anxiety and impulsivity dimensions. *Personality and individual differences*, 31(6), 837-862.
- Watson, D., & Tellegen, A. (1985). Toward a consensual structure of mood. *Psychological bulletin*, 98(2), 219.
- Watt, D. F., & Panksepp, J. (2009). Depression: An evolutionarily conserved mechanism to terminate separation distress? A review of aminergic, peptidergic, and neural network perspectives. *Neuropsychanalysis*, 11(1), 7-51.
- Zellner, M. R., Watt, D. F., Solms, M., & Panksepp, J. (2011). Affective neuroscientific and neuropsychanalytic approaches to two intractable psychiatric problems: why depression feels so bad and what addicts really want. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 35(9), 2000-2008.

Journal of  
Thought & Behavior in Clinical Psychology  
Vol. 13 (No. 50), pp.67-76, 2019

### **Comparative study of Sensitivity to Punishment and Sensitivity to Reward and Affective Neuroscience Personality based on the girl adolescents psychopathological dimensions**

Babaei Nadinluei, Karim

**Department of Psychology, Uremia University, Uremia, Iran**

Aminzadeh, Jaleh

**Department of Psychology, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran**

Received: 14.05.2018

Accepted: 17.09.2018

The ability to recognize and categorize audio stimuli and track their meaningful patterns and recognition of the difference between sounds in a colloquial language depends on the enhancement of auditory perception. It seems that children with hyperactivity / attention deficit disorder face several difficulties due to lack of sensory processes (audio and visual) and limited scope of attention in educational, cognitive, and cognitive fields, especially executive, social, behavioral and emotional functions. The purpose of this study is to make a comparison between visual and auditory performance indexes among the three groups of hyperactivity disorder, attention deficit disorder and attention deficit/ hyperactivity disorder. To achieve this, in a causal- comparative study, 69 students with the diagnosis of hyperactivity/attention deficit disorder were selected according to the Convenience sampling method and tested for visual-auditory continuous performance. The study grouped the subjects under three headings of hyperactivity disorder (9 people), attention deficit (30), hyperactivity / attention deficit disorder (30 people). The results of one-way analysis of variance showed that auditory and visual performance indexes in students with hyperactivity, attention deficit, hyperactivity-attention deficiency have a significant difference and the auditory and visual performance of the hyperactivity group is better than the attention deficit and hyperactivity / attention deficit group. This research supports deficiencies in visual and auditory related tests of people with ADHD.

**Key Words:** Hyperactivity, Attention Deficit, visual-auditory continuous performance.

*Electronic mail may be sent to:* k.babaei66@gmail.com